

محسن جان‌پرور\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۱۱

## چکیده

مدیریت مرز جایگاه برجسته و مهمی در برقراری ثبات و امنیت و روابط صلح آمیز بین کشورهای همسایه دارد، به نحوی که درک روش‌های مدیریت مرزها می‌تواند فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالای نواحی مرزی را در راستای دستیابی به همکاری‌های دوجانبه و هم‌گرایی با کشورهای همسایه قرار دهد. در این بین، خلیج فارس دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالایی در توسعه روابط بین کشورهای همسایه نظیر منابع مشترک مرزی، بحران‌های مرزی و محیط زیست بوده و مدیریت آنها می‌تواند در بهبود روابط بین کشورها در زمینه‌های مختلف موثر باشد. مقاله حاضر نشان می‌دهد که مدیریت مرز در ابعاد مختلف آن به‌ویژه در بعدهای مدیریت منابع مشترک مرزی، مدیریت بحران‌های مرزی و مدیریت محیط زیست در حوزه خلیج فارس فرصت‌هایی را برای همکاری و نزاع بین آنها فراهم می‌کند که می‌توان با مدیریت بهینه و کارآمد، از این جنبه‌های مدیریت مرز، زمینه‌های همکاری بین کشورها را در خلیج فارس بالا برد و نزاع و درگیری‌های ناشی از عدم مدیریت و سوءاستفاده‌های ناشی از آن را تا حد امکان بین کشورهای خلیج فارس کاهش داد.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، مدیریت مرز، امنیت، هم‌گرایی

janparvarm@yahoo

\* دکتری جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱، صص ۶۰ - ۳۷.

## مقدمه

امروزه با توجه به تحولات و روندهایی همچون جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات، مشکل است کشورها به تنهایی بتوانند منافع ملی خود را در سطح جهان پی گیری کنند و به بقاء ادامه دهند؛ چرا که به دلیل پیوندها و وابستگی هایی که بین کشورها ایجاد شده است و همچنین بی ثباتی سیاسی و ضعف های راهبردی بسیاری از کشورها، تامین امنیت ملی به تنهایی تقریباً غیرممکن است. بنابراین، کشورها برای تامین امنیت و منافع ملی خود همکاری و همراهی را امر معقول و مطلوب می بینند. در این راستاست که فرامرزی شدن منافع و خواست های ملی کشورها در دهه های پایانی قرن بیستم جهانی شدن ها را سبب شده است. جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد و اقتصادی شدن نظام جهانی که از دهه پایانی قرن بیستم سرعت زیادی پیدا کرد، رقابت های ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک را در جهان رونق فراوانی داد. این دگرگونی پراهمیت در نظام جهانی سبب تشویق منطقه گرایی و روی آوردن به همکاری ها و گروه بندی های هم گرایی های منطقه ای برای واقعیت بخشیدن به رقابت های موثر میان مناطق جهان در نظام شکل گیرنده ژئوپلیتیک جهانی دوران پست مدرن گردیده است.<sup>۱</sup> به دیگر سخن، سازگاری و تطابق با شرایط جدید بین المللی و سوق دادن آن در راستای سیاست خارجی خود، به تنهایی از عهده هر بازیگر و دولت منفرد خارج بوده و نیازمند یک نیروی جمعی است. به همین جهت بعد از جنگ جهانی دوم تا امروز نظام بین الملل شاهد شکل گیری تعداد زیادی از سازمان ها و نظام های منطقه ای بوده است که برای تامین ثبات سیاسی - اقتصادی منطقه ای و موازنه قدرت به وجود آمده اند. سیاست منطقه گرایی با استفاده از ظرفیت های منطقه ای و بهره برداری از حاصل جمع توان کشورها ضمن هموار ساختن مسیر رشد و توسعه، نیروی مضاعفی را در برطرف ساختن مشکلات داخلی و منطقه ای و عدم آسیب پذیری در برابر جریانات بین المللی به وجود می آورد. از سوی دیگر، در دنیای پرتحول امروز که همکاری های منطقه ای اهمیت وافری یافته است، توجه به عامل توافق ها و تعارض ها و سعی در افزایش و تقویت همکاری ها و هم گرایی ها، می تواند به سود منافع ملی و استحکام امنیت کشورهای منطقه باشد.

در این بین، حوزه خلیج فارس به عنوان یک حوزه با قابلیت های بالا به لحاظ سیاسی، اقتصادی،

و همچنین دارا بودن منابع انرژی زیاد ظرفیت‌های فراوانی برای ایجاد یک سازمان منطقه‌ای قدرتمند را داراست و می‌تواند با شکل‌دهی به این نظام منطقه‌ای در جهت دستیابی به نظم، امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین به‌دست آوردن توان بالای مانور در سطح بین‌المللی در راستای دستیابی به اهداف کشورهای منطقه اقدام نماید. اهمیت خلیج فارس از دیرباز باعث تبادل پیام‌های تنش‌زای درون منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بوده است. لذا پی‌گیری راه و روش‌های حل بحران و دوری گزیدن از روش‌های قهرآمیز در راستای هم‌گرایی و برقراری امنیت در این منطقه اجتناب‌ناپذیر است. از ویژگی‌های مهمی که زمینه همکاری کشورهای هم‌کرانه خلیج فارس و برقراری امنیت در این منطقه را به‌وجود می‌آورد، وجود مرزهای طولانی مشترک بین این کشورهاست. هرچند همیشه با دید منفی و چالش‌زا به مرزها نگاه شده است، باید توجه داشت مرزها کارکردهای متعددی دارند که کارکرد ارتباط‌دهنده آنها کمتر دیده شده است. مرزها اگر به‌صورت بهینه مدیریت شوند، می‌توانند به‌عنوان عامل ارتباط‌دهنده کشورهای هم‌جوار عمل کنند و زمینه هم‌گرایی و همکاری بین کشورها و در راستای آن برقراری امنیت را بین کشورها به‌وجود آورند. بر این اساس در این مقاله سعی شده است جایگاه مدیریت مرزی در هم‌گرایی و برقراری امنیت در بین کشورهای خلیج فارس به‌صورت کلی بیان شود.

روش تحقیق این مقاله، با توجه به ماهیت نظری و کاربردی آن توصیفی-تحلیلی است. بر این اساس سعی شده است علاوه بر تصویرسازی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مدیریت مرز در برقراری هم‌گرایی و ایجاد ثبات و امنیت در منطقه، به تشریح و تبیین چرایی وضعیت مساله و ابعاد آن به‌صورت کلی پرداخته شود. سوال اصلی مقاله عبارت است از آنکه، مدیریت مرز بین کشورهای دارای مرزهای مشترک در خلیج فارس چه نقش و جایگاهی در هم‌گرایی و برقراری امنیت در بین آنها می‌تواند داشته باشد؟

## ادبیات نظری تحقیق

### ۱. خلیج فارس

خلیج فارس بین ۲۴ درجه و ۳۰/۳۰ درجه گستره شمالی و ۴۸ درجه و ۵۶/۲۵ درجه درازای

خاوری از نصف‌النهار گرینویچ، در دامنه فلات ایران، خلیجی در امتداد دریای عمان که خود منشعب از اقیانوس هند است، می‌باشد. درازای این دریا، از تنگه هرمز تا دهانه اروندرود ۹۶۵ کیلومتر است که در همان حال، درازای مرزهای دریایی ایران و کشورهای عربی شمرده می‌شود. گستره خلیج فارس، میان ۴۷ کیلومتر (۲۹ مایل) در تنگه هرمز تا ۳۷۰ کیلومتر (۲۳۰ مایل) میان بوشهر و کرانه جنوبی خلیج سلوا، متفاوت است و سطح دریا ۲۳۳۸۰۰ کیلومترمربع (۹۰/۰۰۰ مایل مربع) است. خلیج فارس دریای کم‌عمقی است با ژرفای متوسط ۵۰ متر که ژرف‌ترین نقطه آن در نزدیکی تنگه هرمز با ۹۱ متر واقع شده است.<sup>۲</sup> خلیج فارس، از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دارای اهمیت بالایی است. این اهمیت با محوریت یافتن پدیده ژئواکونومی و نیاز روزافزون کشورها به انرژی و منابع اثرگذار اقتصادی، به‌عنوان حوزه عمده انرژی و منطقه مهم ژئواستراتژیک افزایش چشمگیری داشته است، به‌طوری‌که امروزه مشخص شده صحنه اصلی شطرنج قدرت‌ها در اوراسیا خواهد بود و خلیج فارس به‌عنوان هارتلند این صحنه که منافع قدرت‌ها عمدتاً در آن تلاقی می‌یابد، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است.<sup>۳</sup>

## ۲. مرز

مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملت - پایه را مشخص می‌کنند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است. به بیان دیگر، مرز خطی است فرضی در فضا که جداکننده دو ملت، دو کشور و دو نظام حکومتی است، مرز در انتهای قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد.<sup>۴</sup> برای درک بهتر مفهوم مرز می‌توان تلفیقی از تعاریف آن را چنین ارایه داد: مرز خطی است فرضی در فضا که من را از شما، یک کشور را از کشور دیگر، مصالح من را از شما، مصالح و منافع یک حکومت را از حکومت دیگر، یک گروه را از گروه دیگر و ... جدا می‌کند. مرز بخش ضروری برای هویت‌دهی و اعتباردهی به شخص، حکومت، گروه و ... را داراست. الگوهای حکومتی در دو طرف مرز متفاوت است. در مجموع می‌توان گفت، مرزها به‌صورت دیوارهایی زندگی، هویت، خانه، کشور، حکومت، منافع (ملی) و ... شما را از دیگران جدا می‌کنند

و به شما و آنها اعتبار و هویت می‌دهند. با نگاهی به اطراف خود و مرزهایی که در اطراف وجود دارد، می‌توان این موضوع را بهتر درک کرد.<sup>۵</sup>

برای درک بهتر موضوع، لازم است که در ابتدا مدیریت مرز را تعریف کنیم. واژه مدیریت معانی متعددی دارد؛ برای مثال طبق لغت‌نامه آکسفورد واژه مدیریت به معنای ۱. مسئول بودن؛ ۲. نظارت کردن؛ ۳. مسئول تیم بودن؛ ۴. اداره و تنظیم کردن (منابع تحت کنترل)؛ ۵. تحت کنترل در آوردن و اثرگذار بودن (شخص یا حیوان)؛ و ۶. کنترل استفاده یا بهره‌برداری از (زمین یا ...) می‌باشد.<sup>۶</sup>

دو معنای اول به‌طور ویژه مرتبط با علم مدیریت است، اما معانی دیگر بیشتر جنبه عمومی دارند. به‌طور گسترده، معانی چهار، پنج و شش عموماً نشان‌دهنده مدیریت مرزهای بین‌المللی است. بنابراین، در دنیای مطالعات مرزی، مدیریت شامل همه فعالیت‌هایی است که فرایند امنیت مرز را فراهم کند. این فعالیت‌ها به‌طور قابل توجهی شامل نظارت، کنترل استفاده از منابع، حفاظت از مرز، تعیین حدود نقاطی برای عبور و مرور، کنترل دسترسی و فراهم کردن زمینه‌های همکاری و غیره می‌باشد. به عبارت دیگر، مدیریت مرز سازوکاری است برای تضمین امنیت مرزهای ملی و تنظیم حرکات قانونی و کنترل منابع مشترک در طول مرزها برای دستیابی به نیازهای متفاوت کشور توسط ارتباطات فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی که از طریق مرزها فراهم می‌گردد. بنابراین، واژه مدیریت مرز یک واژه گسترده‌تری است که محدوده کنترل امور اجرایی مرزها شامل اطمینان از حفظ حرمت آنها را مشخص می‌کند.<sup>۷</sup> در تعریفی دیگر، مدیریت مرز اغلب به روش‌ها و فناوری‌هایی اشاره دارد که به افراد، دولت‌ها و حکومت‌ها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، عبور و مرور افراد و کالا، استفاده بهینه از منابع مشترک و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند. این موضوع، همچنین شامل آژانس‌های مختلف سازمان‌یافته و سایر زیرساخت‌های فیزیکی، تسهیلات و ترتیبات امنیتی طراحی شده و مدیریت شده نیز می‌شود. مدیریت مرز فراتر از مسئولیت رسیدگی به عبور و مرور افراد، کالاها، منابع مرزی و غیره، با امنیت ملی کشور ارتباط دارد. به عبارت ساده‌تر، مدیریت مرز یعنی بازکردن مرزها تا حدی که بتوان از حداکثر فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و فواید فراسوی مرز و مشترک مرزی نهایت بهره را برد و در

همان زمان، بسته نگه داشتن مرز به گونه‌ای که ورود چالش‌ها و ناامنی‌های فرامرزی و مشترک مرزی به داخل کشور به حداقل ممکن برسد.<sup>۸</sup>

### ۳. هم‌گرایی

تعاریف مختلفی از هم‌گرایی شده است؛ بعضی آن را یک فرایند و گاه وضعیت نهایی وحدت سیاسی در روابط واحدهای مستقل تعبیر کرده‌اند. این تفاوت نگرشی از اختلافات سلیقه‌ای است که تحلیل‌گران از موضوع وحدت دارند.<sup>۹</sup> به عنوان مثال ارنست هاس از جمله کسانی است که معتقد است هم‌گرایی یک فرایند است که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف به این باور تن می‌دهند که نفع آنها در تجمع و وحدت در تاسیس متمرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی شود.<sup>۱۰</sup> هم‌گرایی واژه‌ای است که در برابر واگرایی مطرح می‌گردد و عبارت است از فرایندی که دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم به‌طور داوطلبانه و آگاهانه از قسمتی از اقتدار خود و اعمال آن، جهت دستیابی به اهداف مشترکشان صرف‌نظر کرده و از یک قدرت مافوق ملی تبعیت نمایند. در هم‌گرایی تلاش بر این است که عوامل اختلاف‌زا و زمینه‌های ملی‌گرایانه همچون وفاداری‌های ملی و احساسات ملی‌گرایی و غیره را کنار بگذارند. همچنین روند هم‌گرایی به عنوان نظریه‌ای است که به دنبال صلح و ثبات است و پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است و امروزه آن چنان فراگیر شده که کشورهای مختلف جهان را به آن متمایل ساخته است تا از طریق آن صلح و امنیت را به وجود آورند و ضریب امنیت خود را افزایش دهند.<sup>۱۱</sup>

### ۵. امنیت

اصولا امنیت یک مفهوم چندوجهی است و از این رو درباره معنای آن بین صاحب‌نظران اختلاف نظرات زیادی وجود دارد. در این باره باری بوزان می‌گوید: «هر کوششی برای درک مفهوم امنیت، بدون آگاهی کافی از تناقضات و نارسایی‌های موجود در خود این مفهوم ساده‌اندیشانه است.»<sup>۱۲</sup> بوزان امنیت را یک مفهوم توسعه‌نیافته می‌داند. به نظر وی، امنیت هنوز

توسعه لازم را پیدا نکرده است که بتوان یک مصداق واحد خارجی برای آن قائل شد و تعریف مشخصی از آن ارایه داد.<sup>۱۳</sup> از سوی دیگر، مک سوئینی، امنیت را واژه‌ای لغزنده و بی ثبات می‌خواند که در گستره گیج‌کننده‌ای از زمینه‌های متنوع و در جهت اهداف چندگانه به‌وسیله افراد، شرکت‌ها، حکومت‌ها و متخصصان آکادمیک به کار رفته است و در این فضا مجموعه‌ای از چیزها، مردم، وسایل، اهداف، حوادث خارجی و احساسات درونی منظور شده‌اند. با وجود این، امنیت را می‌توان وجود اطمینان نسبت به سلامت جان، مال و ناموس تعریف کرد. امنیت امری است استنباطی که واقعیت یافتنش در محیط، مستلزم اقدامات و برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای می‌باشد.<sup>۱۴</sup> بر این اساس، به‌طور کلی می‌توان گفت امنیت مفهومی توسعه‌نیافته، مبهم، نارسا، و ماهیتا جدال برانگیز و شخصیتا متباین و متناقض است. امنیت در زبان عربی معنای بی‌هراس بودن و آرامش است. امنیت حرکتی است ضد ترس، ضد ضعف و مکان امن؛ همچنین جایگاهی است که عالی‌ترین احساس و عواطف انسانی در آن رشد و نمو کرده است. *دایره‌المعارف بزرگ لاروس* در معنای واژه امنیت آورده است: وضعیتی که شخص در آن از خطر واهمه ندارد و آرامش نفسانی از آن حاصل می‌شود.

## یافته‌های تحقیق

### ۱. مدیریت مرز و هم‌گرایی

رمز بقای حکومت در توانمندی دگرگون شدن در راستای تطبیق با پیشرفت‌های فکری سیاسی-اجتماعی در جامعه و در جهان نهفته است. این حکمی است که با قانون یا اصل «تدریجی» پدیده‌های زنده هماهنگی دارد.<sup>۱۵</sup> یکی از این پیشرفت‌های صورت گرفته در جهان، فرایند منطقه‌گرایی است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج مورد توجه قرار گرفته و منشور سازمان ملل متحد نیز در برخی از فصول خود بر آن صحنه گذارده و کشورها را به حل و فصل دعاوی و اختلافات خود در چارچوب توسل به ترتیبات منطقه‌ای تشویق نموده است. از این‌رو برخی کشورها به تکوین و تکامل روندهای هم‌گرایانه میان خود و همسایگان‌شان پرداخته‌اند تا بتوانند با این کار زمینه بقای خود را در خلال تحولات صورت گرفته در جهان تطبیق دهند. در

این بین، کشورهای نزدیک به هم از نظر جغرافیایی اغلب مناطق ارتباط سیاسی دوجانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها به شدت از همسایگانشان تاثیر می‌پذیرد. این تاثیرپذیری به‌ویژه بر اساس اندازه‌های طبیعی و سطح چسبندگی، ماهیت ارتباط بین کشورها و ساختار روابط میان آنها می‌باشد. بنابراین ویژگی‌های مشترک جغرافیایی، زیرساخت رفتارهای هم‌گرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد.<sup>۱۶</sup> در راستای این تحولات صورت گرفته کشورهای حوزه خلیج فارس نمی‌توانند خود را از این روند جهانی جدا کنند؛ زیرا نیاز و وابستگی روزافزون کشورها به یکدیگر برای برقراری امنیت، تامین منافع ملی و غیره این امر را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در این بین، زمینه‌های هم‌گرایی و واگرایی بین کشورهای خلیج فارس به صورت‌های مختلف و در غالب کتب و مقالات متعدد مورد بحث قرار گرفته است، اما یکی از زمینه‌های مهم این امر که می‌تواند بستر هم‌گرایی و همکاری کشورهای خلیج فارس را فراهم کند و با توجه به تحولات و دگرگونی‌های صورت گرفته در جهان جایگاه آن برجسته‌تر می‌شود، مدیریت بهینه مرزهاست که توانایی بالایی در کاهش چالش‌ها و مسائل ناشی از تحولات صورت گرفته در فضای جهانی از یک سو، و ایجاد هم‌گرایی و همکاری، تامین منافع و امنیت ملی خود و شهروندان خود بین کشورهای هم‌جوار را از سوی دیگر دارا می‌باشد.

مدیریت مرزها می‌تواند به ثبات و روابط فرامرزی صلح‌آمیز بین کشورها کمک کند. بر این اساس، درک روش‌های مدیریت مرزی جایگاه مهمی برای کاهش کشمکش‌ها و درگیری مرزهای ناآرام و ناامن دارد و می‌تواند از فرصت‌ها و ظرفیت‌های نواحی مرزی در راستای دستیابی به همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور کمک بگیرد. این مدیریت و کنترل نه تنها به حرکت مردم و مهاجرت آنها، بلکه به‌طور ویژه به مخاطرات محیطی که بر کیفیت زندگی افراد در دو طرف مرز نیز در ارتباط می‌باشند، بستگی دارد. شکل قابل توجه مدیریت مرزها با پروسه‌هایی که برای مهاجران وجود دارد، صورت می‌گیرد. این مدیریت نه تنها در بخش فیزیکی ورود این افراد به کشور انجام می‌گیرد، بلکه در آژانس‌هایی که حقوق پایه‌ای را به مهاجران می‌دهند؛ مانند امنیت اجتماعی، آموزش فرزندان و حمایت از اعضای خانواده، ریشه دارند. این پروسه از مدیریت به‌صورت نزدیک با طبیعت ورود و خروج در ارتباط می‌باشد.<sup>۱۷</sup> علاوه بر موارد ذکر شده، مسائل

زیر نیز تعریف واضح و مدیریت خوب مرزها را در عصر جهانی شدن و قرن حاضر هنوز حیاتی باقی نگه می‌دارند و وجود آنها را مورد تایید قرار می‌دهند:

- مدیریت منابع مشترک مرزی؛

- روابط بین‌المللی خوب؛

- امنیت محلی و ملی؛

- مدیریت محلی موثر؛

- استفاده کارآمد از منابع؛ و

- شکوفایی مناطق مرزی.<sup>۱۸</sup>

بر این اساس، یاد گرفتن مهارت‌های مدیریت مرز برای برقراری روابط خوب میان دو کشور حیاتی است. به عنوان مثال، اگر من یا شما بدانیم مرز فضای شخصیمان در یک مکان عمومی مانند ترمینال‌ها به چه صورت است، هیچ وقت به خود اجازه نمی‌دهیم در این فضا سیگار بکشیم و حریم‌ها و مرزهای دیگران را از بین ببریم و زمینه‌ساز روابط بد بین خود و دیگران شویم. همچنین اگر ما طرف دیگر قضیه باشیم و مهارت‌های مدیریت مرز و حریم خود را که مورد تجاوز قرار گرفته است و زمینه ناراحتی ما را فراهم آورده است بدانیم، می‌توانیم به آسانی این مساله را درک کرده و آن را اداره کنیم.

این امر در سطوح بالاتر مانند سطح حکومت‌ها نیز جریان دارد و حفاظت و حراست از پهنه سرزمینی، امنیت و منافع ملی در سراسر کره خاکی برای تمام کشورها یک ارزش به حساب می‌آید و ضمانت تحقق این امر نیز مدیریت مرزها و داشتن مرزهایی با امنیت کامل است.<sup>۱۹</sup> با وجود اهمیت مدیریت مرزها به‌ویژه در زمینه ایجاد هم‌گرایی و همکاری بین کشورهای همسایه، هنوز توجه زیادی از سوی محققان نسبت به مدیریت مرز صورت نگرفته است. مدیریت مرزها دارای جنبه‌های مختلفی است که در زیر به سه جنبه مهم آن و چگونگی تاثیر آنها در هم‌گرایی و برقراری امنیت به صورت کلی اشاره می‌شود:

## الف. مدیریت منابع مشترک مرز

مرزها به صورت‌های مختلف زمین و فضای جغرافیایی را بین دو کشور تقسیم می‌کنند و ممکن است در طول فضای جغرافیایی تقسیم شده بین دو کشور منابع و معادنی وجود داشته باشد که به وسیله مرزها بین دو کشور تقسیم شده باشند. به این منابع به اصطلاح منابع طبیعی فرامرزی می‌گویند. این منابع در معنای موسع خود شامل هر نوع منابع طبیعی می‌گردد که در شکل و حالت طبیعی خود و بدون دخالت انسان، قادر به عبور از مرزهای سیاسی یک کشور می‌باشند. میدان‌های نفت و گاز مشترک به دلیل گستره جغرافیایی آنها و تعلق به بیش از یک کشور مصداق بارز این منابع هستند.<sup>۲۰</sup> به عبارت دیگر، به هرگونه ثروت ملی شناخته شده و یا کشف نشده واقع بر روی زمین و یا در زیر زمین که منبع و یا مسیر جریان آن در خط مرز و یا با سفره مشترک در دو سوی خط مرزی قرار گرفته باشد، منابع مشترک مرزی گفته می‌شود.<sup>۲۱</sup> به عبارت ساده‌تر، منابع مشترک مرزی، منابعی هستند که در امتداد خط مرزی بین دو کشور یا چند کشور و در دو طرف مرزها قرار گرفته و کشورهای همسایه مالکیت مشترکی بر این منابع دارند. اگر منابع مشترک مرزی به صورت بهینه مدیریت شوند، می‌توانند زمینه‌های هم‌گرایی و همکاری دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای دارنده آنها را فراهم کنند و از به وجود آمدن ذهنیت‌ها و چالش‌های ناشی از بهره‌برداری‌های یک‌جانبه، میزان برداشت و ... در بین دو کشور جلوگیری کنند. چگونگی قرارگیری این منابع مشترک مرزی بین دو کشور به شرح زیر است:

خلیج فارس یکی از غنی‌ترین مناطق جهان از نظر منابع متنوع و گسترده به‌ویژه نفت و گاز است که بخشی از این منابع به صورت مشترک بین دو یا چند کشور مشترک هستند. منابع مشترک مرزی در خلیج فارس متعدّدند. در اینجا به دلیل جلوگیری از اطاله کلام، تنها به منابع نفتی/گازی مشترک مرزی بین ایران و کشورهای همسایه در خلیج فارس که از اهمیت بیشتری برخوردارند، به طور مختصر اشاره می‌شود. منابع نفتی/گازی مشترک مرزی شناخته شده بین ایران و کشورهای هم‌مرز در خلیج فارس حداقل ۱۵ مورد می‌باشد که در جدول شماره یک آورده شده است.

وجود این میادین نفتی و گازی مشترک در خلیج فارس اهمیت اقتصادی بالایی دارند و این

امر یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در خلیج فارس است که باعث به وجود آمدن رقابتی شدید بین کشورهای این منطقه برای استخراج هرچه سریع‌تر ذخایر این میادین شده است. به طوری که در نتیجه افزایش تقاضای نفت و گاز طبیعی، کشورهای حوزه خلیج فارس که دارای میادین مشترک با ایران هستند، با سرمایه‌گذاری‌های کلان سعی در افزایش تولید خود از این میادین دارند که این امر عامل ایجاد کشمکش‌ها و منازعات بین ایران و همسایگانش در حوزه خلیج فارس و شکل‌گیری دیدگاه‌ها و نگرش‌های منفی در بین دو دولت و مردم آنها نسبت به یکدیگر شده است. همچنین، از آنجا که ایران بیشترین مرز را در خلیج فارس دارد و میادین مشترک نفت و گاز متعددی به صورت مشترک میان ایران و دیگر کشورهای منطقه وجود دارد، عدم بهره‌برداری و توسعه به موقع این میادین توسط ایران و برداشت زودتر و بیشتر کشورهای همسایه با بهره‌گیری از سرمایه شرکت‌های بین‌المللی و انعطاف‌پذیری سیاسی، ضررهای جبران‌ناپذیری به ایران می‌رساند. از سوی دیگر، برداشت یک‌جانبه از میدان‌های مشترک، مساله مهاجرت نفت و گاز را به وجود خواهد آورد که این پدیده باعث می‌شود کشورهایی که در حال بهره‌برداری یک‌جانبه هستند، از سهم بیشتری بهره‌مند شوند. در نتیجه، رقابت برای بهره‌برداری بیشتر از این میادین و عدم بهره‌برداری هم‌زمان، ارتباطات سیاسی منطقه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این مساله حکم آتش زیر خاکستر را دارد و هر لحظه احتمال مشتعل شدن آن و برهم خوردن چرخه نظم در خلیج فارس را فراهم می‌آورد؛ چرا که این احتمال وجود دارد رقابت کنونی به مرحله خطرآفرین برسد و مبانی امنیت مشاع کشورهای حوزه خلیج فارس را با چالش اساسی روبه‌رو کند. اهمیت این موضوع تا حدی است که به صورت یک کاتالیزور در بسیاری از امور از جمله اختلافات ارضی و مرزی، نگرش حکومت‌ها و مردم دو کشور به یکدیگر و ... عمل می‌کند. با نگاهی کوتاه به چند دهه گذشته در تاریخ روابط کشورهای حوزه خلیج فارس، می‌توان این موضوع را به روشنی دریافت.

از نظر حقوقی نیز بهره‌برداری از منابع مشترک مرزی مساله دارد، به طوری که در مورد قواعد ناظر بر بهره‌برداری از منابع نفت و گاز مشترک هیچ معاهده عام یا قانون‌سازی در سطح بین‌المللی وجود ندارد. مرتبط‌ترین معاهده عامی که به برخی وجوه مربوط به بهره‌برداری

از منابع طبیعی دریایی از جمله بستر و زیر بستر دریا اشاره کرده است، کنوانسیون حقوق دریاهای سال ۱۹۸۲ می‌باشد. بر اساس ماده ۱۲۳ این کنوانسیون «دولت‌های حاشیه یک دریاهای بسته یا نیمه‌بسته باید در اجرای تکالیف خود با همدیگر همکاری کنند و اداره، حفظ، کاوش و بهره‌برداری از منابع جاندار و حفظ محیط زیست دریایی و خط‌مشی‌های تحقیقات علمی با یکدیگر هماهنگی داشته باشند.»<sup>۲۲</sup> این شرط به تعداد زیادی از توافق‌نامه‌های بهره‌برداری مشترک در مناطقی که دریای نیمه بسته محسوب می‌شوند مربوط است، که خلیج فارس نیز یکی از موارد آن می‌باشد. در پاسخ به این پرسش که شرط کلی همکاری تا چه حدی در مخازن نفتی مشترک در مناطق گفته شده و سایر دریاهای نیمه‌بسته اعمال می‌گردد، باید گفت: اصل همکاری منطقه‌ای در خصوص دریاهای نیمه‌بسته می‌تواند به‌عنوان توسعه تدریجی به‌سوی تکمیل ضوابط کلی برای همکاری در حفاظت و مدیریت منابع طبیعی دریایی محسوب شود. با این حال، دو عامل در مورد قدرت حقوقی تکلیف به همکاری در این ماده شک‌برانگیز است: زبان و متن ماده، که تعهد الزامی حقوقی و مشخصی را در بر نمی‌گیرد و بیشتر تشویقی است تا تکلیفی. شرایط و ضوابط گفته شده برای اقدامات هماهنگ در مورد انجام فعالیت‌هایی در خصوص حفاظت از منابع جاندار دریایی، حمایت از محیط زیست دریایی و هماهنگی برای مطالعات علمی دریایی است، نه بهره‌برداری مشترک از هیدروکربن‌ها و دیگر منابع غیرجاندار.<sup>۲۳</sup>

مساله همکاری کشورهای همسایه و نحوه و کیفیت آن و اینکه آیا این کشورها مجبور به همکاری در این زمینه هستند یا نه و چگونگی و نحوه بهره‌برداری از منابع مشترک، از مسائلی است که هنوز حکم روشنی در حقوق بین‌الملل پیدا نکرده است. این امر سبب شده است در خلیج فارس هر قرارداد تحدید حدود فلات قاره که از سال ۱۹۶۹ به بعد منعقد شده است - لزوم همکاری دولت‌های طرفین قرارداد را در خصوص معادن مشترک مرزی گوشزد و ارایه طریق نموده، هرچند در عمل نتیجه قابل انتظار به دست نیامده است ایران با پیش‌بینی اکتشاف میدان‌های نفت و گاز در طول مرزهای دریایی خلیج فارس تصمیم گرفت تمهیداتی را در توافق‌نامه‌های فلات قاره خود با کشورهایی که در سوی دیگر خلیج فارس قرار داشتند به‌کار گیرد

تا از بهره‌برداری‌های نامناسب از این میدان‌ها جلوگیری کند. بر اساس تمهیدات ایران که در تمام توافق‌نامه‌های مرزی فلات قاره ایران در منطقه ظاهر شد، چنانچه امکان بهره‌برداری از یک میدان نفتی یا گازی مشترک در دو سوی مرز وجود داشته باشد، الف) امکان حفر چاه زیر سطح آب در فاصله ۱۲۵ متری از مرز (۵۰۰ متر از مرز آبی در مورد عربستان) بدون موافقت طرفین امکان‌پذیر نیست؛ و ب) طرفین باید بکوشند موافقت یکدیگر را در مورد همکاری یا عملیات یک‌جانبه با رعایت نکات یادشده، جلب کنند.<sup>۲۴</sup>

در این زمینه می‌توان به میدان مشترک گازی پارس جنوبی بین ایران و قطر نیز اشاره کرد. در موافقت‌نامه بین قطر و ایران در رابطه با معادن مشترک واقع در مرز فلات قاره دو کشور که قابل بهره‌برداری از دو طرف باشد، ماده‌ای اختصاص داده شد بدین شرح که هرگاه ساختمان زمین‌شناسی نفتی واحد یا میدان نفتی واحد و یا هر ساختمان زمین‌شناسی واحد یا میدان واحدی از مواد معدنی دیگر به آن طرف خط مرزی مشخص در ماده یک این موافقت‌نامه امتداد یابد و آن قسمت از این ساختمان یا میدان را که در یک طرف خط مرزی واقع شده باشد بتوان کلاً یا جزء به وسیله حفاری انحرافی از طرف دیگر خط مرزی مورد بهره‌برداری قرار داد، در این صورت در هیچ یک از دو طرف خط مرزی مشخص در ماده یک هیچ چاهی که بخش بهره‌دهنده آن کمتر از ۱۲۵ متر از خط مرزی مزبور فاصله داشته باشد حفر نخواهد شد، مگر آنکه طرفین نسبت به آن توافق نمایند.<sup>۲۵</sup> قطر از سال ۱۳۷۱ از این میدان گازی که در آن کشور معروف به گنبد شمالی است، گاز استخراج کرده است. در صورتی که فاز یک میدان پارس جنوبی در سال ۱۳۸۲ و فاز ۲ و ۳ آن در بهمن ۱۳۸۱ به بهره‌برداری رسیده است. بنابراین قطری‌ها نزدیک به یک دهه زودتر از ایران بهره‌برداری از این میدان را آغاز کرده‌اند. علاوه بر این، برداشت‌های یک‌جانبه باعث حرکت گاز به سوی میدان قطری شده و میزان ذخایر گاز در بخش ایران رو به کاهش است.<sup>۲۶</sup> این امر و افزایش بی‌سابقه تولید قطری‌ها از این میدان، نگرانی‌هایی را برای ایران ایجاد کرده است، به طوری که هر از چند گاهی اخبار و اعتراض‌هایی را از سوی حکومت ایران و حتی مردم در پی داشته است. به عقیده کارشناسان بین‌المللی گاز، شدت عمل قطر در برداشت از این میدان به نوعی رقابت با ایران است و در نظر دارد تا زمانی که

محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران برداشته نشده است، تمامی طرح‌های LNG خود را به سرانجام برساند. در هر صورت، رقابت ایران و قطر بر سر برداشت از بزرگ‌ترین مخزن گازی جهان نشان داده است که رقابت بر سر منابع انرژی در این منطقه به‌صورت خاموش و بدون آنکه تعارض به نظام‌های سیاسی منطقه کشیده شود، به‌صورتی غیرمنطقی و خارج از دایره قانون‌مداری وجود دارد و در حال گسترش است که این خود از کوتاه آمدن ایران از منافع ملی خود در این بخش به دلیل فشارهای بین‌المللی و عدم مدیریت بهینه مرزی این کشور ناشی می‌شود که در این بین، طرف مقابل سعی می‌کند بهترین بهره را از وضعیت موجود ببرد. بر این اساس می‌توان گفت، وجود این میادین نفت و گاز مشترک بین ایران و کشورهای همسایه در خلیج فارس هرچند دارای جنبه مثبت در جهت هم‌گرایی و همکاری دو کشور می‌باشند، در حال حاضر به دلایل عدم توافق بین ایران با کشورهای دارنده منابع مشترک مرزی در خلیج فارس در زمینه نحوه و میزان بهره‌برداری، منافع ملی جمهوری اسلامی را به‌خطر انداخته است.

## ب. مدیریت بحران‌های مرزی

ریشه کلمه بحران از واژه Crisis در معنای جور کردن، قضاوت، و لحظه حساس مشاجره گرفته شده است. بحران به معنای تغییر ناگهانی که در جریان یک بیماری پدید می‌آید و صفت ویژه آن حالت وخامت است.<sup>۲۷</sup> از نظر برداشت عمومی، بحران عبارت‌است از به‌وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در روند حرکت یک سیستم. به بیان دیگر، بحران وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییر ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می‌گردد. معمولاً بحران را مترادف «درگیری» نیز به‌کار می‌برند. پدیده درگیری عبارت از کنش و واکنش‌های آشکار و قهری گروه‌های رقیب است. این تعریف هرگونه آشوب سیاسی، شورش و جنگ را در بر می‌گیرد، ولی مفهوم بحران «بین‌المللی» در آن کمتر به‌چشم می‌خورد، اما به هر حال بحران بین‌المللی را می‌توان به‌عنوان تغییر وضعیتی تعریف کرد که با دو شرط اساسی همراه است: دگرگونی در نوع و شدت کنش‌ها و واکنش‌ها میان دو یا چند رقیب، همراه با احتمال درگیری نظامی.<sup>۲۸</sup> در این بین برای بررسی و تحلیل هرگونه بحران ابتدا باید منشاء آن را

شناخت. بر این اساس، به‌طور کلی بحران‌ها را از نظر ماهیت می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود: الف. بحران‌های بین‌المللی؛ ازجمله، بحران‌های سرزمینی و بحران‌های منابع (اقتصادی)؛ ب. بحران‌های داخلی؛ ازجمله، بحران‌های سیاسی.

بحران‌های مرزی از نوع بحران‌های بین‌المللی و سرزمینی است. در بحران‌های سرزمینی اختلافات مرزی مورد نظر می‌باشد و مرزها به سه دسته مرزهای هوایی، زمینی و دریایی تقسیم می‌شود که در این اختلافات مرز دریایی و زمینی بیش از هوایی است. در این بین، اگر نگاهی کوتاه به تاریخ کشورسازی بعد از جنگ جهانی اول در منطقه خلیج فارس داشته باشیم، بدون اغراق می‌توانیم به این نتیجه برسیم که کلیه کشورهای حوزه خلیج فارس با یکدیگر اختلافات سرزمینی دارند. اثرات این بحران‌ها را می‌توانیم در جنگ‌های بین کشورهای حوزه خلیج فارس مشاهده کنیم. این نوع اختلافات همچنان نیز در بین کشورهای حوزه خلیج فارس وجود دارد، به‌طوری‌که مرزهای متعددی در خلیج فارس بین کشورها وجود دارد که هنوز نیز تعیین حدود نشده است و می‌تواند به‌صورت‌های مختلف زمینه شکل‌گیری بحران را بین کشورها به‌وجود آورد. ازجمله این مرزهایی که تعیین حدود نشده، مرز بین ایران و عراق در خلیج فارس که ادامه مرز از طریق اروندرود می‌باشد، مرز بین عراق و کویت، مرز ایران و کویت و ... است. این ظرفیت‌ها و زمینه‌های بالقوه بحران که در بین کشورهای خلیج فارس وجود دارد، اگر از سوی کشورها به‌صورت‌های مختلف مدیریت شود، می‌تواند چالش‌ها و ناامنی‌ها و حتی دیدگاه‌های بدبینانه‌ای که از این طریق بین کشورهای منطقه شکل گرفته است را تا حدود زیادی کاهش دهد و زمینه هم‌گرایی منطقه‌ای و برقراری امنیت را در منطقه خلیج فارس برقرار کند.

### ج. مدیریت محیط زیست

با تشکیل احزاب سبز در کشورهای جهان در دهه‌های واپسین قرن بیستم و گسترش تلاش‌ها برای جلوگیری از ادامه لطمه زدن به محیط زیست بشر در جهان کروی، محیط زیست و مسائل مربوط به آن، به‌عنوان مسائل مربوط به زندگی و سرنوشت بشر در دوران پست‌مدرن، وارد مباحث ژئوپلیتیک شد.<sup>۲۹</sup> به بیان دیگر، توسعه بحران‌های زیست‌محیطی و تبعات آن در

زمینه الگوهای تعامل و همکاری، یا کشمکش بین گروه‌ها و ابناء بشر و بازیگران سیاسی عامل اصلی توجه ژئوپلیتیک و متخصصان این رشته به مسائل زیست محیطی شده است. به همین خاطر از این موضوع به صورت یکی از مکاتب ژئوپلیتیک سبز نیز تعبیر می‌شود.<sup>۳۰</sup> از جمله مهم‌ترین این مسائل می‌توان به گرم شدن زمین، کاهش لایه ازن، کمبود آب شیرین، کمبود خاک مرغوب، بیابان‌زایی، آلودگی هوا، باران‌های اسیدی، انهدام زباله‌های سمی، جنگل‌زدایی، صدمه به تنوع زیست، آلوده شدن دریاها و ... اشاره کرد.<sup>۳۱</sup> در این راستا، مراقبت از محیط زیست نیز یکی از اصول مشخص ژئوپلیتیک به شمار می‌رود و دلایل توجیه‌کننده گوناگونی وجود دارد که چرا باید حکومت‌ها و ملت‌ها از محیط زیست بیشتر مراقبت کنند. از جمله این دلایل می‌توان به بحران‌هایی در نواحی کلیدی و مهم جهان اشاره کرد که به طور قابل ملاحظه‌ای زمینه بروز خشونت‌های گروهی، درگیری و چالش بین کشورها و ... را فراهم آورده است و گاهی اوقات فشارهایی را پدید می‌آورد که به برانگیختن برخوردهای قومی، آشوب‌های شهری و شورش‌ها کمک می‌کند. این خشونت‌ها بر منافع ملی کشورها به دلیل ایجاد بی‌ثباتی در روابط اقتصادی و تجاری، ایجاد بلاهای پیچیده انسانی و تحریک مهاجرت‌های بی‌رویه که به اقدامات نظامی منجر می‌شود، تاثیر می‌گذارد<sup>۳۲</sup> و مدیریت مرزها را سخت‌تر می‌کند.

مسائل زیست محیطی دریاها را نیز به صورت‌های مختلف و به طبع آن مناطق مرزی دریایی را نیز تحت تاثیر قرار داده است. در این بین، نگرانی‌ها در زمینه دریاها بسته یا نیمه‌بسته با توجه به حجم کوچک آب‌هایشان بیشتر است. در این بین، خلیج فارس که روزی از آن به عنوان «سبز دریایی که به هنگام روز فیروزگون است و شب هنگام از آن آتش برجهد»<sup>۳۳</sup> یاد می‌شد، تبدیل به یکی از آلوده‌ترین مناطق دریایی جهان شده است. محیط زیست خلیج فارس اکنون چنان دچار مخاطرات و تهدیدات جدی شده است که یک کشور به تنهایی قادر نیست بر این مشکلات فایق آید و مشارکت جدی همه کشورها را می‌طلبد.<sup>۳۴</sup> این مشکلات زیست محیطی خلیج فارس از مسائل مختلفی ناشی می‌شود که مهم‌ترین آنها وجود منابع عظیم نفت و گاز در آن می‌باشد. حساسیت راهبردی موجود در آن و تنش‌های سیاسی و نظامی و موضوعات اقتصادی، مسائل مهمی چون آلودگی‌های محیط زیست دریایی را تحت الشعاع قرار داده و

خلیج فارس را به یکی از آلوده‌ترین مناطق دریایی مبدل نموده است. با توجه به اهمیتی که این محیط زیست دریایی دارد، اگر سازوکاری برای کنترل آلودگی وجود نداشته باشد، زمینه نابودی آن فراهم خواهد شد. برای تحقق هدف حمایتی، کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای جلوگیری از آلودگی‌های دریایی تنظیم و تدوین شده که در خلیج فارس نیز چند مورد از آنها از سوی کشورها تنظیم شده است.<sup>۳۵</sup> اما به دلایل مختلف و عدم وجود همکاری بین کشورهای حوزه خلیج فارس، هیچ‌یک از آنها نتوانسته است به نتیجه مطلوب و مورد نظر در این زمینه برسد. با وجود این، روند روبه رشد نیاز کشورهای حوزه خلیج فارس به سایر منابع موجود در خلیج فارس و همچنین تغییر نگاه آنها نسبت به حفظ و نگهداری محیط زیست این دریا به صورت‌های جداگانه از دیگران، خود نشان‌دهنده شروع همکاری بین کشورهای حوزه خلیج فارس در امر مدیریت محیط زیست در خلیج فارس می‌باشد. در این راستا، همکاری و عمل کشورهای حوزه خلیج فارس در مدیریت محیط زیست در خلیج فارس می‌تواند به صورت‌های مختلف زمینه هم‌گرایی و برقراری امنیت را در بین کشورهای این حوزه فراهم آورد و چالش‌ها و بدبینی‌های این کشورها را نسبت به یکدیگر کم کند.

### نتیجه‌گیری

هم‌گرایی به عنوان نظریه‌ای که به دنبال صلح و ثبات است، فرایند یا وضعیتی است که به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم آن‌چنان فراگیر شده که کشورهای مختلف جهان در اکثر نواحی به چنین فرایندی متمایل شده‌اند تا از این طریق تنش و درگیری بین خود را به حداقل برسانند و ضریب امنیتی خویش را افزایش دهند. در این بین، منطقه راهبردی خلیج فارس نیز از این امر مستثنی نخواهد بود. این کشورها خود را نمی‌توانند از این روند جهانی دور نگه دارند و برای اینکه بتوانند امنیت ملی، منافع ملی و جایگاه برجسته خود را از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در نظام جهانی و مبادلات بین‌المللی بالا ببرند، نیازمند ثبات منطقه‌ای و ایجاد هم‌گرایی بین خود هستند. در این راستا، کشورهای خلیج فارس باید بتوانند عوامل و چالش‌هایی که زمینه‌های واگرایی که بین این کشورها ایجاد می‌کنند را کاهش داده و از بین ببرند و بر عوامل و زمینه‌های

مشترک بین خود برای ایجاد هم‌گرایی و شکل‌گیری روند نظام منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس تلاش کنند. در این بین یکی از عواملی که در خلیج فارس می‌تواند زمینه هم‌گرایی و امنیت منطقه‌ای بین کشورهای هم‌کرانه خلیج فارس را ایجاد کند، مدیریت مرز در خلیج فارس می‌باشد. چون با روند وابستگی‌ها و فرایند جهانی شدن‌ها در قرن بیست و یکم، دیگر کشورها نمی‌توانند و حتی نیازهای آنها نمی‌گذارد که بخواهند مرزهای خود را مسدود کنند. کشورها برای اینکه بتوانند از این فرایند بهره ببرند و از سوی دیگر چالش‌های ناشی از آن را تا حد امکان بین خود کاهش دهند، نیازمند آن هستند که مرزهای خود را به صورت قاعده‌مندی مدیریت کنند. همچنین کشورهایی که در راستای تشکیل یک نظام منطقه‌ای و هم‌گرایی منطقه‌ای نیز می‌باشند، از این قاعده مستثنی نیستند؛ به عنوان مثال در این زمینه می‌توان اتحادیه اروپا را ذکر کرد که به صورت کامل و قاعده‌مند در سطوح مختلف مرزهای خود را مدیریت می‌کند. کشورهای هم‌کرانه خلیج فارس که هر یک حداقل با چند کشور در خلیج فارس هم‌مرز می‌باشند، برای اینکه بتوانند به سوی یک هم‌گرایی منطقه‌ای بروند، پیش‌زمینه و شروع این امر مدیریت مرزهایشان در خلیج فارس می‌باشد. این کشورها باید با دید جامع‌تر و وسیع‌تری به مرزها نگاه کنند و مرزها را بین خود به عنوان عامل جداکننده به حساب نیاورند. آنها باید کارکردها و فرصت‌های دیگری؛ از جمله ایجاد زمینه‌های همکاری، برقراری امنیت، ارتباط، فرصت‌های اقتصادی و ... که مرزها در اختیار کشورها قرار می‌دهند را نیز در نظر بگیرند و این کار زمانی قابل انجام است که بتوانند مرزهای خود را در خلیج فارس به صورت قاعده‌مند مدیریت کنند.

مدیریت مرزها ابعاد متعدد و گوناگونی دارد که ۶ بعد آن که اهمیت نسبتاً بالاتری از سایر ابعاد دارند عبارتند از: مدیریت منابع مشترک مرزی، مدیریت حقوقی مرز، مدیریت عبور و مرور مرزی انسان‌ها، مدیریت ورود و خروج کالاها، مدیریت محیط زیست و مدیریت بحران‌های مرزی. در این بین فقط به سه بعد از ابعاد مدیریت مرزی به عنوان عامل هم‌گرایی و برقرارکننده امنیت در خلیج فارس اشاره شده است.

از آنجا که خلیج فارس دارای منابع سرشار گاز، نفت، ماهی و ... است که به صورت مشترک بین کشورهای هم‌کرانه خلیج فارس قرار دارند و به صورت‌های مختلف زمینه‌ساز چالش‌ها و

مسائل بین کشورهای دارنده این منابع مشترک بوده است، مدیریت بهینه منابع مشترک مرزی می‌تواند این چالش‌ها و ذهنیت‌های سوء نسبت به بهره‌برداری زیاد از منابع را تا حد امکان کاهش دهد و سبب ایجاد نوعی هم‌گرایی و حس اعتماد و شکل‌گیری سازمان‌های مشترک دوجانبه برای مدیریت این منابع شود و زمینه‌های شکل‌گیری نظام منطقه‌ای قدرتمند و بدون چالش را در خلیج فارس فراهم کند. همچنین مدیریت بحران‌های مرزی در خلیج فارس که کم هم نیستند و مدیریت محیط زیست نیز، می‌تواند زمینه هم‌گرایی و برقراری امنیت در بین کشورهای خلیج فارس به‌وجود آورد؛ به‌طوری‌که توانایی مدیریت مرزی موثر در خلیج فارس می‌تواند در بهبود روابط و کاهش چالش‌ها و ناامنی‌های این کشورها با همسایگان تا حد امکان کمک کند. بر این اساس، آغاز مبحث مدیریت مرزی به‌ویژه مدیریت منابع مشترک مرزی، مدیریت بحران‌های مرزی و مدیریت محیط زیست در مطالعات دانشگاهی در حوزه خلیج فارس می‌تواند کمک شایانی به هم‌گرایی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین این کشورها کند و چالش‌ها، درگیری‌ها، مسائل و تنش‌های مرتبط با این عوامل را تا حد بالایی بین کشورهای هم‌جوار در خلیج فارس کاهش دهد و در سطحی بالاتر بتواند در بین کشورهای خلیج فارس با استفاده از این پدیده‌های مشترک محیطی از جمله منابع مشترک مرزی، مدیریت محیط زیست این فرصت را برای کشورهای هم‌کرانه به‌وجود آورد که در راستای برقراری امنیت، هم‌گرایی و تشکیل یک نظام منطقه‌ای قدرتمند گام بردارند. نظام منطقه‌ای که برای بقای کشورهای منطقه در ژئوپلیتیک چندقطبی آینده امری ضروری است، همگون بودن زندگی اقتصادی و دلبستگی‌های راهبردی مربوط، توأم با اهمیت جهانی این منطقه به خاطر ظرفیت گسترده تولید و صدور نفت و گاز، منابع مشترک مرزی و وابستگی‌های دیگر، فرصتی ویژه برای هم‌گرایی کشورهای منطقه فراهم می‌آورد.

در یک جمع بندی کلی در این زمینه می‌توان گفت، بقای حکومت‌ها در نظام ژئوپلیتیک قرن ۲۱ وابسته به درک موقعیت آنها از شرایط جهانی و توانایی آنها در ایجاد شرایط مناسب منطقه‌ای و داخلی جهت توسعه روابط همه‌جانبه به‌صورت‌های مختلف است. در این بین، مدیریت مرزی می‌تواند در بهبود روابط بین کشورها در زمینه‌های مختلف موثر باشد. مدیریت

مرز در ابعاد مختلف آن به‌ویژه در بعدهای مدیریت منابع مشترک مرزی، مدیریت بحران‌های مرزی و مدیریت محیط زیست، نشان‌دهنده خط فیزیکی تماس بین کشورها می‌باشد و فرصت‌هایی را برای همکاری و نزاع بین آنها فراهم می‌کند که می‌توان با مدیریت بهینه و کارآمد از این جنبه‌های مدیریت مرز زمینه‌های همکاری بین کشورها را در خلیج فارس بالا برد و نزاع و درگیری‌های ناشی از عدم مدیریت و سوءاستفاده‌های ناشی از آن را تا حد امکان بین کشورهای خلیج فارس کاهش داد. در این راستا، حکومت‌ها برای اینکه بتوانند مرزها را به‌صورت موثر و کارآمد مدیریت و کنترل کنند و هزینه کمتری را برای این کار صرف کرده و کشمکش‌ها و چالش‌های مرزی را به حداقل ممکن برسانند، نیازمند شکل دادن به یک سازمان و نهاد مرزی مشترک بین خود برای مدیریت مرزی هستند که بتوانند با استفاده از آن منابع مشترک مرزی، بحران‌های مرزی و محیط زیست حوزه خلیج فارس را به‌صورت موثر مدیریت و کنترل کرده و زمینه‌های همکاری و روابط خوب را در امتداد مرزها بین کشورهای خلیج فارس شکل دهند.

جدول شماره ۱. منابع مشترک مرزی بین ایران و همسایگان در خلیج فارس

| نام میدان                                   | مشترک با ... | توضیحات                                                                                                                                                                                                                                                                       |
|---------------------------------------------|--------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| میدان نفتی نفت شهر                          | عراق         | ---                                                                                                                                                                                                                                                                           |
| میدان نفتی دهلران                           | عراق         | میزان نفت خام اولیه این میدان ۴۲۱۲ میلیون بشکه است که ۶۳۵ میلیون آن را می‌توان برداشت کرد                                                                                                                                                                                     |
| میدان نفتی پایدار غربی                      | عراق         | این میدان دارای کلاهیگ گازی و نفتی با درصد سولفور ۵/۱ درصد است                                                                                                                                                                                                                |
| میدان آزادگان (شمالی و جنوبی)               | عراق         | ---                                                                                                                                                                                                                                                                           |
| میدان نفتی یادآوران (مخازن حسینی/کوشک سابق) | عراق         | ---                                                                                                                                                                                                                                                                           |
| میدان گازی- نفتی آرش                        | کویت         | این میدان با نفت خام درجای اولیه ۴۵۷ میلیون بشکه در سازند گدوان و گاز درجای اولیه ۵/۲۲ میلیارد متر مکعب و ۸۳/۶ میلیون بشکه میعانات گازی در سازند فلهیان است.                                                                                                                  |
| میدان نفتی اسفندیار                         | عربستان      | میدان اسفندیار دارای ۵۳۲ میلیون بشکه نفت خام درجاست                                                                                                                                                                                                                           |
| میدان نفتی فروزان                           | عربستان      | این میدان ۲۳۰۹ میلیون بشکه نفت خام درجا دارد                                                                                                                                                                                                                                  |
| میادین گازی فرزاد A و B                     | عربستان      | ---                                                                                                                                                                                                                                                                           |
| میدان گازی/نفتی پارس جنوبی                  | قطر          | مساحت کل میدان گازی مذکور ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که سهم متعلق به ایران ۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. ذخیره این بخش از گاز ایران ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است که حدود ۹ درصد از کل گاز دنیا و نزدیک به نیمی از ذخایر از کشور را شامل می‌شود |
| میدان نفتی/گازی سلمان (ساسان سابق)          | امارات متحده | ذخیره نفت خام میدان سلمان ۴۰۷۳ میلیون بشکه و گاز ۱۸۳/۵ میلیون متر مکعب گاز درجا است                                                                                                                                                                                           |
| میدان نفتی/گازی فرزام                       | امارات متحده | ---                                                                                                                                                                                                                                                                           |
| میدان نفتی نصرت                             | امارات متحده | مقدار نفت درجای این میدان ۱۸۸ میلیون بشکه است                                                                                                                                                                                                                                 |
| میدان گازی هنگام                            | عمان         | ---                                                                                                                                                                                                                                                                           |

جدول شماره ۲. وضعیت تایید و تصویب کنوانسیون کویت و پروتکل‌های زیست‌محیطی آن توسط کشورهای منطقه

| کشورهای منطقه     | کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری در حفاظت از محیط زیست دریایی در برابر آلودگی و پروتکل آن |       | پروتکل آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره |       | پروتکل حمایت از محیط زیست دریایی از آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی |       | پروتکل حمل و نقل دریایی مواد زاید خطرناک و دفع آنها |       |
|-------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------|-------|------------------------------------------------------------|-------|------------------------------------------------------------------------|-------|-----------------------------------------------------|-------|
|                   | تصویب                                                                                        | امضاء | تصویب                                                      | امضاء | تصویب                                                                  | امضاء | تصویب                                               | امضاء |
| بحرین             | *                                                                                            | *     | *                                                          | *     | *                                                                      | *     | *                                                   | ---   |
| ایران             | *                                                                                            | *     | *                                                          | *     | *                                                                      | *     | *                                                   | ---   |
| عراق              | *                                                                                            | *     | *                                                          | *     | *                                                                      | *     | ---                                                 | ---   |
| کویت              | *                                                                                            | *     | *                                                          | *     | *                                                                      | *     | *                                                   | *     |
| عمان              | *                                                                                            | *     | ---                                                        | *     | *                                                                      | *     | *                                                   | ---   |
| قطر               | *                                                                                            | *     | *                                                          | *     | *                                                                      | *     | *                                                   | *     |
| عربستان سعودی     | *                                                                                            | *     | *                                                          | *     | *                                                                      | *     | ---                                                 | *     |
| امارات متحده عربی | *                                                                                            | *     | *                                                          | *     | *                                                                      | *     | *                                                   | ---   |

\* کنوانسیون یا پروتکل امضا یا تصویب شده است.

کنوانسیون یا پروتکل امضا یا تصویب نشده است.

## پاورقی‌ها:

۱. پیروز مجتهدزاده، *جغرافیای سیاسی سیاست جغرافیایی*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱، صص ۲۰۲-۲۰۳.
۲. پیروز مجتهدزاده، *خلیج فارس: کشورها و مرزها*، تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۷۹، ص ۲۷.
۳. فاطمه حیدریان، «بررسی استراتژی‌های امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در خلیج فارس پس از جنگ سرد»، کتاب *خاورمیانه (۴) ویژه خلیج فارس*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴، ص ۵۰.
۴. محسن جان‌پرور، «بررسی تحول مفهوم مرز در دوران معاصر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷، ص ۱۸.
۵. همان، ص ۴۳.
6. The Concise Oxford Dictionary, 1999, p. 864.
7. Martin Pratt, *Boundary- Making, Challenges & Opportunities*, IBRU, Durham University, UK., 2001, p. 7.
۸. محسن جان‌پرور، «تبیین الگوی مدیریت مرز دریایی مورد خلیج فارس»، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۱، ص ۲۳.
۹. علی اصغر کاظمی، *نظریه هم‌گرایی در روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات قومس، ۱۳۷۰، ص ۳۶.
10. Ernest B. Haas, *The Uniting of Europe*, Stanford, 1958, p.16.
۱۱. احمد محمودی، «ارتباط و روند هم‌گرایی در منطقه خلیج فارس بین سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۰»، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱، ص ۳۲.
۱۲. باری بوزان، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۳۷.
۱۳. محمدرضا تاجیک، «انتظام در پراکندگی: بحثی در امنیت ملی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش شماره دوم، ۱۳۷۷، ص ۷.
۱۴. پیروز مجتهدزاده و سهراب عسگری، *جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۸۴، ص ۴۵.
۱۵. همان، ص ۲۱.
۱۶. محمدرضا حافظ‌نیا و مراد کاویانی راد، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۶۱.
17. David Newman, "Boundaries: A Companion to Political Geography," Jan Agnew, *The United Kingdom*, Blackwell Publishing, 2003, pp. 125-127.
18. Martin Pratt, op.cit., p. 1.
۱۹. محمدباقر قالیباف و همکاران، «تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۲۶.

۲۰. سید باقر میرعباسی و فرخزاد جهانی، «رژیم حقوقی بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰، شماره ۶۱ ص ۹۲.
۲۱. سیدهادی زرقانی، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا، ۱۳۸۶، ص ۲۸.
۲۲. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاها، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه منصور پورنوری و محمد حبیبی، تهران: انتشارات مهدحقوق، ۱۳۸۵، ماده ۱۲۳.
۲۳. جواد کاشانی، منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹، صص ۱۱۳-۱۱۲.
۲۴. پیروز مجتهدزاده، سیاست‌های مرزهای بین‌المللی ایران، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹، ص ۳۹۵.
۲۵. منصور پورنوری، حقوق بین‌الملل دریاها، جلد اول، تهران: انتشارات مهدحقوق، ۱۳۸۳، ص ۹۱.
۲۶. جواد کاشانی، پیشین، ص ۸۲.
۲۷. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰، ص ۷۳.
۲۸. غلامحسین حیدری، مجله اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۲، ص ۴۲.
۲۹. پیروز مجتهدزاده، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰، ص ۳۱۰.
۳۰. محمدرضا حافظ نیا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵، ص ۹.
۳۱. کتلین برادن و فرد شلی، ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی ستاد دوره عالی جنگ، ۱۳۸۳.
۳۲. ژناروید اتوتایل و دیگران، اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمد رضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰، ص ۴۶۳.
۳۳. بهروز اسرافیلی دیزجی، مخازن هیدروکربوری مشترک بین ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس، برگرفته از سایت: <http://azut.blogfa.com/post-1161.aspx>
۳۴. محمدرضا درستی، «چشم‌انداز آینده امنیت و همکاری در منطقه خلیج فارس»، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، جلد اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، ص ۳۲.
۳۵. پروین فرشچی، «بررسی ابعاد حقوقی آلودگی‌های نفتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان (از دیدگاه حقوق بین‌الملل)»، مجله علوم تکنولوژی محیط زیست، دوره نهم، شماره چهارم، ۱۳۸۶، ص ۷۷.